# آثار و برکات وفای به نذر

علی پوریا

انسان نیازهای بزرگی دارد که دسترسی به آنها جز از طریق جلب نظر الهی امکانپذیر نیسـت؛ هر چند که دعا به درگاه خدا مهمترین راه جلب عنایت الهی است، اما گناهان و خطاها و اموری هست که موجب حبس دعا و عدم پذیرش آن از سـوی خدا می شود، در اینجاست کـه بندگان خدا برای جلب نظر و توجه و عنایت خدا و پذیرش دعایشان به وسایل و ابزارهایی متوسل می شوند که شامل استغفار و توبه و تضرع و انابه به درگاه خدا یا شـفاعت معصومان(ع) از طریق صلوات و توسل یا نذر و مانند آنها است.

**خیرات و مبـرات در راه خدا بسیار ارزشمند است و اگر کسی کار نیکی را بر خود واجب کند باید به آن وفا کند و اگر چنین کند و در راه خدا بذل و بخشش داشته باشد، مورد عنایت خدا قرار می گیرد، خواه در قالب نذر باشد یا غیر آن.**

### چیستی نذر

نذر در لغت به معنای ملزم ساختن خویش بر امری است که از قبل الزامی بر انجام آن نیست(مفردات الفاظ قرآن کریـم، ص ۷۹۷)، و در اصطلاح فقه اسـلامی و فرهنـگ قرآنی، التزام به انجام یا ترک عمل به گونه ای مخصوص(جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۳۶۵) با گفتن صیغه مخصوص نذر مانند «لله علیّ ان افعل هذا یا لا افعل ذاک» اسـت؛ یعنی بر خود لازم می کنم تا در صورت برآورده شدن حاجت چون فرزندآوری، برای خدا کاری را انجام یا ترک کنم که مشروع باشد؛ بنابراین تا پیش از برآورده شدن حاجت لازم نیست تا متعلق نذر را انجام دهد، اما پس از برآورده شدن، لازم است تا به متعلق نذر خویش عمل کند و اگر عمل نکند و بی وفایی نشان دهد، گناه کرده اسـت؛ یعنی همانند کسی اسـت که نماز واجب خویش را ترک کرده است.

از همین رو، لازم اسـت تا انسـان نـذری نکند و امری را بر خود لازم نسازد و اگر چنین کرد، باید به نذر خویش وفا کند و نیز متعلق نذر او چیزی باشـد که از عهده اش بر بیاید.

**نذر مانند عهد و عقدی است که دارای صیغه و قواعد مخصوص خود است؛ بنابراین تا زمانی که صیغه نذر گفته و خوانده نشود، واجب و الزامی نیست ، هر چند که شخص می‌تواند نذرش را ادا کند؛ از طرفی نیازی نیست که صیغه نذر به عربی خوانده شود، همان طور که نیازی نیست تا صیغه عقد ازدواج یا معاملات و بیع به عربی باشد؛ اما لازم است تا شـرایط و ضرورت های صیغه مراعات شود که شامل بیان متعلق نذر، الزام عمل بر خود، ذکر نام خدا و مانند آنها است.**

### خواندن صیغه نذر، پیش‌شرط انعقاد نذر

امام خمینی می‌فرماید: صیغه نذر عبارتی اسـت که مفاد آن قرار دادن انجام یا ترک عمل بر ذمه خویش است بـرای خدای متعال؛ به اینکه بگوید: «لله علیّ ان اصوم» یعنی برای خدا بر من است که روزه بگیرم؛ یا بگوید: «لله علیّ ان اترک شرب الخمر» یعنی برای خدا بر من است که شـراب خوردن را ترک کنم و بعید نیست انعقاد نذر با هر آنچه که هم‌معنی و مترادف «لله علیّ» هسـت از هر لغتی که باشد مخصوصاً برای کسی که عربی را خوب نمی‌داند. البته اگر فقط گفته شـود «علیّ کذا» یعنی بر من است چنین و چنان، نذر منعقد نمی‌شود هرچند که در ضمیر و قلب خویش «لله» را نیت کرده باشـد و اگر بگوید: «نذرت لله ان اصوم» یعنی: نذر کردم برای خدا که روزه بگیرم. یا بگوید: «لله علیّ نذر صوم یوم»؛ یعنی بگوید: برای خدا بر من است نذر روزه یک روز، منعقد نمی‌شود با اشکالی که دارد، پس احتیاط ترک نشود.( موسوعة الامام الخمینی، ج۲۳، تحریرالوسیلة، ج۲، ص۱۲۴، القول فی النذر، مسـألة ۱) پس در انعقاد نذر باید صیغه مخصوص یعنی «لله علی کذا» خوانده شـود. برای نذر کردن می توان چنین نیت کرد: برای خدا بر عهده من باشد که اگر مثلا بیمارم شفا یافت یا فرزندم در کنکور قبول شد یا فلا حاجتم برآورده شد فلان مقدار پول برای امام حسین (ع) یا حضرت ابوالفضل و در راه شادی روح آنها به فقراء بدهم و یا برای اقامه مجلس روضه او بدهم و یا موارد مشابه. امام صادق (ع) در روایتی که در شأن نزول همین آیه «یوفون بالنذر» از آن حضرت صادر شده، فرموده است: هنگامی که امام حسن و امام حسین (ع) مریض بودند ، روزی پیامبر خـدا(ص) به ملاقات آنها آمد و به علی(ع) فرمود: خوب است جهت سلامتی فرزندانت نذر کنی. علی(ع) فرمود: من نذر می کنم چنانچه این دو بهبود یابند، سـه روز را به جهت تشکر از خداوند روزه بدارم. سپس فاطمه(ع) و همچنین فضه که خادمه آنها بود، همین نذر را تکرار کردند و خدای متعال لباس عافیت را به اندام آن دو امام پوشاند و ایشان نیز روزه گرفتند. (میزان الحکمه، ج۱۰، ص۴۸)

### شرایط و احکام نذر

نذر یک عمل عبادی است که لازم است تا شرایط و احکام اعمال عبادی در آن مراعات شود. بنابراین خواه در صحت نذر و خواه در پذیرش و قبولی نذر از سـوی خدا لازم اسـت تا این شرایط و احکام مراعات شود. برخی از مهمترین شرایط و احکام نذر علاوه بر عقل نذر کننده، مکلف بودن و بالغ بودن و مختار و آزاد بودن ، عبارتند از:

**۱.مشروعیت متعلق نذر:** نذر زمانی واجب می شود که متعلق نذر مشروع باشد و از نظر شرعی خلاف شریعت نباشـد؛ بنابراین شخص نمی‌تواند نذر کند که واجب را ترک کند یا حرامی را مرتکب شود.

**۲. ادای صیغه نذر:** نذر مانند عهد و عقدی اسـت که دارای صیغه و قواعد مخصوص خود است؛ بنابراین تا زمانی که صیغه نذر گفته و خوانده نشود، واجب و الزامی نیست ، هر چند که می‌تواند نذرش را ادا کند؛ از طرفی نیازی نیست که صیغه نذر به عربی خوانده شود، همان طور که نیازی نیست تا صیغه عقد ازدواج یا معاملات و بیع به عربی باشد؛ اما لازم است تا شرایط و ضرورت‌های صیغه مراعات شود که شامل بیان متعلق نذر، الزام عمل بر خود، ذکر نام خدا و مانند آنها است.

**۳. لزوم ذکر نام خدا:** مهم‌ترین شرط صیغه نذر لزوم ذکر نام خدا در صیغه عقد نذر اسـت؛ بنابراین باید نـام های عام خدا چون «الله» و «الرحمن» و مانند آنها در زبان عربی یا خدا در زبان فارسی در صیغه عقد گفته شـود.(آل عمـران، آیه ۳۵؛ مریم، آیـه ۲۶) باید توجه داشـت که از نظر قرآن، الله و الرحمن هر دو از نام های الهی هستند که جامع همه صفات الهی هستند؛ بنابراین می‌توان به جای یکدیگر به کار برد.(اسراء، آیه ۱۱۰) از همین رو حضرت مریم(س) در نذر خویش می فرماید: «انی نذرت للرحمن صوما؛ همانا من برای خدای رحمن نذر روزه کردم.»(آل عمران، آیه ۲۶) همچنین بر اساس

آیه ۳۵ سـوره آل عمران، به نظر می رسد گفتن جمله «ربّ انـی نذرت لک» به قصد انشـاء صیغه نذر کفایت می‌کند؛ پس در زبان فارسی اگر چنین بگوید:«پروردگارم برایت نذر کردم چنین کنم...» کفایت می‌کند.

**۴. لزوم قصد قربت:** از دیگر شرایط صحت صیغه عقد نذر، قصد قربت به خدا است؛ و اگر قصد قربت مد نظر نباشد، صیغه صحیح نیست و منعقد نمی شود و چیزی بر نذرکننده نیست.(آل عمران، آیه ۳۵؛ مریم، آیه ۳۶)

**۵. لزوم اخلاص در نذر:** لازم است تا نذر کننده در نذر خویش خلوص داشته باشد و غیر خدا را در امر نذر دخالت ندهد تا مورد پذیرش خدا قرار گیرد. (آل عمران، آیات ۳۵ و ۳۶؛ انسان، آیات ۷ تا ۹ و ۲۲)

**۶.وجوب وفای به نذر:** کسانی که در قالب صیغه نذر، نذری کرده اند ، پس از قبول شدن نذرشان و برآورده شدن حاجتشـان می بایست به آن وفا کنند و نمی توانند به متعلق نذر نپردازند؛ زیرا چنین کاری، از مصادیق «ظلم» و قرار گرفتن در جرگه «ظالمین» است.(بقره، آیه ۲۷۰؛ مریم، آیه ۲۶؛ حج، آیه ۲۹؛ انسان، آیه ۷)

**۷.مشروعیت متعلق نذر:** متعلق نذر باید مشروع باشـد؛ بنابراین، نمی توان نذری بر ترک انفاق یا ترک همبسـتری یا خوردن حرامی چون شـراب کرد؛ زیرا چنین نذری باطل و غیر صحیح است و منعقد نمی شود.

### کارکردها و آثار و برکات نذر

انسان می‌تواند برای حوائج فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی و مادی و معنوی از نذر بهره گیرد، از همین رو، می توان برای اموری چون شفای بیمار(انسان، آیه ۷)، فرار از تنگناهای اجتماعی(مریم، آیه ۲۶)، تقرب به خدا(آل عمران، آیه ۳۵)، فرزندآوری، کسـب مقامات معنوی و عرفانی و مانند آنها نذر کرد، اما باید دانسـت که اگر به نذر خویش وفا نکند، در جرگه ظالمین در می آید که در این صورت خشم و عذاب خدا را به جان خریده و خدا هیچ نصرت و یاری بـه او نخواهد کرد.(بقره، آیه ۲۷۰) بنابراین، کسی که نذر می‌کند هر چند که نذری کوچک باشـد باید بدان وفا کند تا از پاداش های الهی از جمله نصرت و بهشـت و نعمت هـای آن و رهایی از دوزخ و عذاب‌هـای آن بهـره منـد شـود.(همان؛ انسـان، آیات ۷ تا ۱۲)

خدا به مومنان هشدار می دهد که نسبت به نذر، علم و آگاهی تمام دارد حتی اگر دیگران نسبت به آن آگاهی نداشته باشند؛ بنابراین، باید با توجه به علم الهی نسبت به همه امور آشکار و نهان، نسبت به نذرهای خویش پایبند بوده و بدان وفا کنند تا از خشم الهی در امان باشند و از پاداش های عام و خاص الهی بهره مند شوند.(بقره، آیه ۲۷۰؛ انسان، آیات ۷ تا ۱۲)

**انسان پس از برآورده شدن حاجتش، لازم اسـت تا به متعلق نذر خویش عمل کند و اگر عمل نکند و بی‌وفایی نشان دهد، گناه کرده است یعنی همانند کسی است که نماز واجـب خویش را ترک کرده است. از همین رو، لازم است تا انسان نذری نکند و امری را بر خود لازم نسازد و اگر چنین کرد، باید به نذر خویش وفا کند.**

در صورت عدم تحقق شـرط نذر، لازم نیسـت کـه نذرکننده بدان وفا کنـد (آل عمران، آیات ۳۵ و ۳۶)، اما اگر به آن وفا کند، بی گمان از فواید دیگری بهره‌مند می‌شود؛ زیرا هدف از نذر هر چند که تحقق شرط نذر اسـت، اما خلوص و تقرب به خدا را نیز به دنبـال دارد که این فایده‌ای بزرگ بـرای انجام نذر است؛ از همین رو مادر مریم(س) با آنکه شرط نذرش تحقق نیافته بـود، ولی به نذر خویش وفا کرد و خدا نیز توجهات خاصی به او و فرزندش مریم(س) نمود و مریم، مادر عیسـی (ع) و از زنان بزرگ عالم هستی و اسوه زنان و مردان مومن شد. (همان؛ تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲)

**در صورت عدم تحقق شرط نذر، لازم نیست که نذرکننده بدان وفا کند، اما اگر به آن وفا کند، بی گمان از فواید دیگری بهره مند می شود؛ زیرا هدف از نذر هر چند که تحقق شرط نذر است، اما خلوص و تقرب به خدا را نیز به دنبال دارد که این فایده ای بزرگ برای انجام نذر است؛ از همین رو مادر مریم(س) با آنکه شرط نذرش تحقق نیافته بود، ولی به نذر خویش وفا کرد و خدا نیز توجهات خاصی به او و فرزندش مریم(س) نمود و مریم، مادر عیسی (ع) و از زنان بزرگ عالم هستی و اسوه زنان و مردان مومن شد.**

بنابراین، کسانی که به نذر خویش وفا می‌کنند، نه تنها خدا مددکار آنان در دنیا و آخرت است(بقره، آیه ۲۷۰)، بلکـه پاداش های خاصی نیز برای آنان فراهم می‌کند که شـامل ورود به بهشت و رهایی از دوزخ و عذاب‌های سخت قیامتی(انسان، آیات ۷ تا ۱۲)، شادابی و شادمانی در قیامت(همان)، رهایی از ترس قیامت و مواقف آن(همان)، رهایی از گروه ظالمین(بقره، آیه ۲۷۰)، بهره‌منـدی از عنایـت و تفضـلات خـاص الهـی (آل عمـران، آیات ۳۵ و ۳۶) و تقرب به خدا و قبولی نذر و اعمال(همان) می‌شود.

اصولا خیرات و مبرات در راه خدا بسیار ارزشمند است و اگر کسی کار نیکی را بر خود واجب کند، باید بـه آن وفا کنـد و اگر چنین کند و در راه خدا بذل و بخشش داشته باشد، مورد عنایت خدا قرار می گیرد خواه در قالب نذر باشد یا غیر آن.

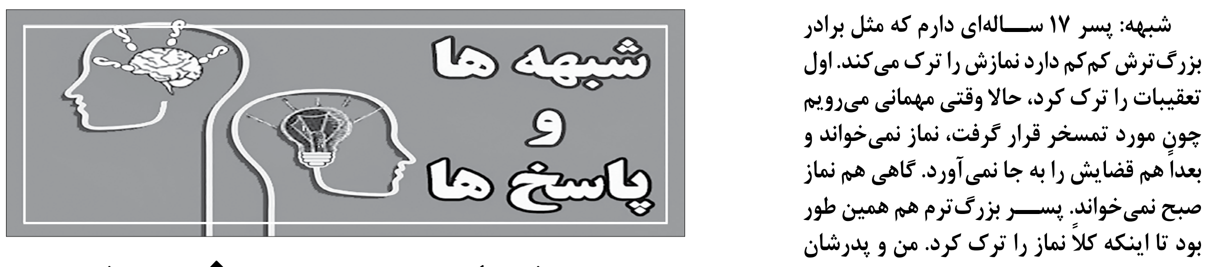


# بی‌نماز شدن فرزند

**شبهه: پسر ۱۷ سـاله‌ای دارم که مثل برادر بزرگ‌ترش کم‌کم دارد نمازش را ترک می‌کند. اول تعقیبات را ترک کرد، حالا وقتی مهمانی می‌رویم چونِ مورد تمسخر قرار گرفت، نماز نمی‌خواند و بعداً هم قضایش را به جا نمی‌آورد. گاهی هم نماز صبح نمی‌خواند. پسـر بزرگ‌ترم هم همین طور بود تا اینکه کلاً نماز را ترک کرد. من و پدرشان مذهبی هسـتیم و همه تلاشمان را برای تربیت آنها انجام دادیم. حالا نگرانم. قبل از کرونا لااقل به مجالس مذهبیِ و مساجد می‌رفت که به خاطر شرایط بیماری کلاً تعطیل شد. حالا به بهانه درس فقط سرشان توی گوشی است. راهکار رفع این مشکل چیست؟**

**پاسخ:** تربیت فرزند بزرگترین وظایف والدین است و دارای روش‌ها و شیوه‌های بسیار دقیقی است که باید به آنها توجه شـود، زیربناهای فکـری افراد، دیدگاه و عقیده فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... تأثیر مستقیم بر ایمان و پایبندی او به انجام فرایض و اعمال و رفتار او دارد.

از سـوی دیگر هر فـرد دارای ویژگی‌های خاص خود اسـت و باید این ویژگی‌ها را به خوبی شناخت و بر اساس روحیات و ویژگی‌های او در هر دوره و مرحله از زندگی‌اش با او تعامل کرد. چه بسـا شیوه‌هایی که در دوران کودکی برای تربیت فرزند اسـتفاده می‌شود برای دوره نوجوانی یا جوانی نه تنها مناسب نباشد که مشکل آفرین نیز باشد. در این زمینه به دو نکته اشاره می‌کنیـم که بـا توجه به آنها می‌توانیـم تاثیرگذاری بیشتری داشته باشیم.

### عوامل سستی و تنبلی در نماز

۱. سستی و تنبلی در نماز نتیجه یک سری از عوامل است. بعضی از عوامل که به طور کلی موجب سستی و ترک نماز می‌شود، عبارتند از:

- **عدم آشـنایی به فلسـفه و حقیقت نماز** که مهم‌ترین عامل سسـتی در نماز و ارتباط با خدا است. آنچه موجب می شود برخی ها از نماز، رویگردان باشند و یا نسـبت به آن تساهل کنند، ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن اسـت یا علم و معرفت آنها از ذهن و فکر به درون و جان نیامده است.

- **تنبلی و سستی و تن پروری:** عادت به سستی و از زیر بار مسئولیت‌ها در رفتن باعث می‌شود که جوان برای خواندن نماز بی‌اهمیت باشد.

- مسامحه و سهل‌انگاری و عدم مسئولیت‌پذیری که در بعضی از کارها دامنگیر جوانان است، در مسئله‌ای مانند نماز و عبادت خدا نیز وجود دارد. با وجود اطرافیانی که به نماز اهمیتی نمی‌دهند یا آن را با سسـتی و تنبلی، خـارج از وقت فضیلت انجام می‌دهنـد، نمی‌توانند از فرزند خود انتظار داشـته باشید که برای نماز اهمیتی خاص قائل شوند.

- **عدم شناخت درست از آثار سبک شمردن یا ترک نماز:** اگر افراد به اهمیت نماز آگاه شـوند و بدانند نماز ستون دین و بازدارنده از فحشا و منکرات است و سستی در انجام نماز چه پیامدهایی دارد، قطعاً سستی نخواهند کرد.

-**گناه یا دوستان و اطرافیان بد و ناباب:** اثر اطرافیان در رفتارمان آنقدر زیاد است که اسلام در بعضی موارد دستور به ترک محیط می‌دهد تا از آنها اثر بد نپذیریم. باید اطراف و اطرافیانمان را تصفیه کنیم.

**سستی در نماز دارای عوامل متعددی است مانند عدم شناخت از نماز، الگوها و اطرافیان ناباب، مشکلات روحی روانی، گناهان متعدد؛ که ابتدا باید این عوامل را شناسایی کرد و سپس با محبت و مهربانی و تشویق و معرفت بخشی و پیدا کردن دوستان خوب و رفت و آمد و خوش اخلاقی و دعا، کم‌کم فرد را به نماز دعوت نمود.**

- بی‌نظمی و بی برنامگی یکی از عوامل سستی در نماز اسـت. اگر تلاش کنیم که در بهترین اوقات نشاطمان نماز بخوانیم کم‌کم حس و حال نماز در ما ایجاد می‌شود.

- **عدم حضور قلب در نماز و عدم توجه در نماز** یکی از عوامل سستی در نماز است. کسی که از نماز لـذت نمی‌برد و با حضور قلب نماز نمی‌خواند کم‌کم حس و حال بندگی را از دست می‌دهد. لذا لازم است نماز را با مقدمات و تعقیبات و شـمرده شمرده و با توجه به معانـی آن بخوانیم تا از اثرات آن بهره‌مند شـویم و کم‌کم مشتاق نماز بشویم و حس کسالت و کاهلی در آن از بین برود.

### راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز

۲. اگر راهی اسـلامی و اخلاقی مـی خواهید که بتوانید در نماز خواندن فرزندتان تأثیرگذار باشید نکات عملی زیر توصیه می‌شود:

- در برخورد با او مهربان و منعطف باشید یعنی کاری نکنید که او از شـما هم رویگردان شـود و هیچ کار یا عقیده‌ای را به زور به او تحمیل نکنید ، چرا که با توجه به وضعیت او ممکن است در مقابل شما هم جبهه بگیرد و از شما فاصله بگیرد.

- سعی کنید با استقامت بر سر عقاید و اعمال مذهبی‌تان و با کیفیت به جا آوردن آنها او را عملاً به اسلام تشویق کنید چرا که خود با اشتیاق انجام دادن عبادات، تبلیغی عملی است. ابتدا با عمل خود او را تشویق به نماز اول وقت و اعمال عبادی کنیـد، یعنی خودتان نمازتان را سر وقت بخوانید. سایر احکام واجب را به همین صورت انجام دهید. با عمل به دسـتورات الهی او را دعوت به کارهای خوب و انجام وظایف شـرعی و ترک محرمات کنید. سپس در مورد اهمیت نماز و تأثیر مثبت عبادات برای او بگویید یا کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده در اختیار او بگذارید مثل کتاب نماز از آقای قرائتی و یا سخنرانی‌های مذهبی از کسانی که سخنان آنها جذاب و تأثیرگذار است. نحوه رفتار اهل‌بیت (ع) و بزرگان دین، چنان بود که اهل خانه شیفته نماز می‌شدند. آنها تنها به امر کردن به نماز، اکتفا نمی‌کردند؛ بلکه کانون خانه را کانون عشـق‌ورزی به خانواده می‌کردند. مادری که در خانه خوش اخلاق اسـت معمولاً اهل خانه مطیع او می‌شوند و نیازی به استفاده‌ی از تندخویی نمی‌بینند.

- او را سـرزنش و توبیـخ نکنید (بخصـوص در برابر خویشـان و دوسـتان). از جر و بحث و مجادله با وی پرهیز کنید.

- بهانـه او بـرای ترک نماز را پیدا کنیـد. باید بدانید چرا نماز را ترک کرده اسـت؟ این بهانه را از او بگیرید. بـه او محبت کنیـد. برای اوقات بیـکاری و فراغتش برنامه ریزی کنید و با او همراه باشید. اگر با شما تفریح کند و از بودن با شما لذت ببرد قطعاً بهتر به سخنتان هم گوش خواهد داد.

- بسـیاری از انحرافات به خاطر همنشینی با دوستان ناباب در انسان ایجاد می‌شود. اگر کاری کنید که با این گونه افراد کمتر رفت و آمد کند و نسبت به آنها بدبین شود، قدم بزرگی در اصلاح او برداشته‌اید. یا به جایش با افـراد خوش عمل و خوش اخـلاق از فامیل رابطه بر قرار کنید.

- در صورت همکاری با شما گرچه یک گام، او را مورد تشـویق قرار دهید. صفات پسندیده و نقاط مثبتی که در او هست، مد نظر قرار دهید. همواره وی را به خاطر آن ویژگی‌های مثبت مورد احترام و تکریم قرار دهید.

- برای او بسـیار دعا کنیـد و برای هدایتش دعا کنید چرا که دعا و توسـلات به اهل بیت و نذر و نیاز تأثیر زیادی دارد

**نتیجه:**

سسـتی در نماز دارای عوامل متعددی است مانند عدم شناخت از نماز، الگوها و اطرافیان ناباب، مشکلات روحی روانی، گناهان متعدد که ابتدا باید این عوامل را شناسایی کرد و سپس با محبت و مهربانی و تشویق و معرفت بخشی و پیدا کردن دوستان خوب و رفت و آمد و خوش اخلاقی و دعا ، کم‌کم فرد را به نماز دعوت نمود.

**منابع برای مطالعه بیشتر:**
۱. نماز عارفانه، جواد محدثی.
۲. پرورش در پرتو نیایش، حسنعلی نوری‌ها.
۳. نماز، زیباترین الگوی پرستش، غلامعلی نعیم‌آبادی.
۴. نماز از دیدگاه قرآن و حدیث، موسوی لاهیجی.
۵. نماز، حسین انصاریان.

# فاطمه«س» الگوی تمام برای زن مسلمان

زهرا(س) در جوانی از دنیا رفته اسـت و از بس در آن زمان دشمنانش زیاد بودند، از آثار ایشان کم مانده است.

ولی خوشبختانه یک خطابه مفصل بسیار طولانی از ایشان باقی مانده که این خطابه را تنها شیعه روایت نمی کند، بغدادی(سنی) در قرن سوم نقل کرده است.

همین یک خطابه کافی است که نشان بدهد زن مسلمان در عیـن اینکه حریم خودش را با مرد حفظ می‌کند و خودش را به اصطلاح برای ارائه به مردان درسـت نمی‌کند، معلوماتش چقدر است، ورود در اجتماع تا چه حد است.

خطبه حضـرت زهـرا(ع) توحیـد دارد در سـطح توحید نهج البلاغه،یعنی در سطحی که دست فلاسفه به آن نمی رسد.

یک‌دفعه وارد در فلسفه احکام می شود: خدا نماز را برای این واجب کرد، روزه را برای این واجب کرد و ...

بعد شروع می‌کند به ارزیابی قوم عرب قبل از اسلام و تحولی که اسلام در این قوم به وجود آورد، بعد در مقام استدلال و محاجّه بر می آید.

سنت پیغمبر این بوده که زنها جدا می نشستند و مردها جدا و پرده‌ای بلند میان آنها کشیده می شد.

زهرای اطهر از پشت پرده تمام سخنان خودش را گفت و زن و مرد مجلس را منقلب کرد.

زهرا هم شخصیت دارد و هم عفاف،هم پاکی دارد و هم حریم.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حماسه حسینی(۱ و ۲)) ج۱۷، صص: ۴۰۶-۴۰۵- با تلخیص و ویرایش**

## حکایت اهل راز

# سه کس، شهیدِ سه چیز !

در دیـدار ۱۳۷۳/۴/۴ با آیت الله اراکی، پس از احوالپرسـی، آیت الله علی‌اکبر مسعودی تولیت وقت آستان حضرت معصومه، مرا به عنوان تولیت آستان حضرت عبدالعظیم معرفی کرد.

آیت الله اراکی مطلبی را به عنوان مزاح مطرح کرد که:

می‌گویند: سـه کس، شهیدِ سه چیز شدند. آن سه عبارتند از: حضرت عبدالعظیم(ع)؛ سیّدِ مرتضی و حاج محسن عراقی!

و در ادامه توضیح دادند که:

حضـرت عبدالعظیم(ع) با اینکه از کبار محدّثین اسـت، ولی امامزاده بودنش، محدّث بودن او را شـهید کرده و معمولاً حضرت عبدالعظیم را به عنوان یک عالم و محدّث نمی‌شناسند، بلکه او را یکی از امامزادگان تلقّی می‌کنند.

سید مرتضی، بالعکس، امامزاده بودنش شهید فقاهتش شده، با اینکه او مانند حضرت عبدالعظیم(ع) چهار واسطه بیشتر تا امام معصوم ندارد، ولی کسی او را به عنوان امامزاده نمی‌شناسد!

و سوم، حاج محسن عراقی. با اینکه وی از فقهای بزرگ بود و از نظر علمی در حدّی بود که در جلسه‌ای در نجف که آقا ضیاء عراقی هم حضور داشته، یک نیم روز با آخوند خراسانی در رابطه با «جواز اجتمـاع امر و نهی» بحث کردند و هیچ یک قدرت مُجاب کردن دیگری را نداشـتند، ولی چون ثروتمند بود، ثروتش فقاهتش را شـهید کرد و مردم، او را به عنوان یک ثروتمند می‌شناسند و نه یک عالم و فقیه!

آیت الله اراکی در ادامه افزودند: شـأن نزول این ماجرا قسمت اخیر آن است.

**کتاب: خاطره‌های آموزنده، نوشته آیت الله محمدی ری‌شهری انتشارات دار الحدیث قم**

# چه بسیار عالمانی که جاهلند!

شوخی نیست که در حدیثی یک پیشوای مردم بگوید: خدا دو حجت دارد (حجت به امام و پیغمبر گفته می‌شود) : حجت ظاهر و حجت باطن؛ حجت ظاهر انبیا هستند و حجت باطن عقول مردم.

این حدیثی اسـت که از مسـلّمات احادیث شیعه است و در «کافی» هست.

جهلی که در این حدیث آمده نیز نقطه مقابل عقل است و عقل در روایات اسـلامی آن نیرو و قوّه تجزیه و تحلیل است. در غالب مواردی که می بینید اسلام جاهل را کوبیده، جاهل در مقابل عالم و به معنی بی سواد نیست،بلکه جاهلْ ضد عاقل است.

عاقل کسـی است که از خودش فهم و قدرت تجزیه و تحلیل دارد و جاهل کسی است که این قدرت را ندارد.

مـا خیلی افـراد عالم را می بینیم که عالمنـد ولی جاهلند؛ عالمند به معنی اینکه فرا گرفته از بیرون زیاد دارند،خیلی چیزها یاد گرفته‌اند؛اما ذهنشان یک انبار بیشتر نیست، خودشان اجتهاد ندارند،استنباط ندارند، تجزیه و تحلیل در مسائل ندارند.

این‌جور اشخاص از نظر اسلام جاهلند یعنی عقلشان راکد است. ممکن است علمش زیاد باشد ولی عقلش راکد است.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری (تعلیم و تربیت در اسلام) ج۲۲، صص: ۸۶۰- ۸۵۹- با تلخیص و ویرایش**

# ۱۵ نوع ثروت

هرگز فکر نکنید با داشتن پول زیاد ،شما ثروتمند خواهید بود. در دنیای امروزی ، ثروت فراتر از پول است.

ناپلون هیل در کتاب کلیـد طلایی، ۱۵ نوع ثروت را معرفی می‌کند که داشتن آنها ما را ثروتمند می‌کند:

۱- نگرش مثبت
۲- ارتباط موثر
۳- ادب
۴- یادگیری مادام العمر
۵- انضباط شخصی
۶- تندرستی واقعی
۷- آرامش خاطر
۸- خلاقیت
۹- عشق ورزیدن به کار
۱۰- داشتن برنامه و هدف
۱۱- داشتن قلب و زبان شاکر
۱۲- درک دیگران
۱۳- استفاده موثر از زمان
۱۴- بخشندگی
۱۵- اعتماد به نفس

تمامی موارد پانزده گانه فوق را آموزه‌های وحیانی مورد تایید قرارداده است.

## چراغ راه

### نیکی به خانواده، سبب ازدیاد عمر

قال الصادق(ع): «من حسن بره فی اهل بیته مد له فی عمره.»

امـام صادق(ع) فرمود: کسـی که با خانواده‌اش نیکوکار باشـد، عمرش طولانی می‌شود.[1]

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵، ح ۱۱

## حکایت خوبان

### مبارک بودن رفق و مدارا در خانواده همراه با زینت‌بخشی

از پیامبر اکرم(ص) سـوال شد: کدام مومن ایمانش کامل‌تر است؟ حضرت فرمود: آن کسی که با خانواده‌اش، خوش‌اخلاق‌تر باشد.[1]

امام سجاد(ع) فرمود: چهار خصلت است که در هرکس وجود داشته باشد، ایمانش کامل است، گناهانش از او پاک می‌شود، و پروردگارش را در حالی دیدار می‌کند که از او راضی است: ۱- کسی که به تعهدات خود در برابر مردم وفا کند ۲- زبانش با مردم راست باشد ۳- در حضور خدا و مردم از هر زشتی و قبحی شرم کند ۴- و با خانواده‌اش اخلاق خوش داشته باشد.[2]

۱- کنزالعمال، ج ۳، ص ۵۱، ح ۵۴۴۸
۲- همان، ص ۴۸، ح ۵۴۲۵

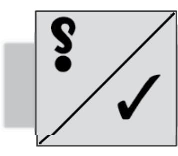

## پرسش و پاسخ

### شاخص‌های خانواده موفق (۳)

**پرسش:**
**از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام یک خانواده موفق و مطلوب، چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد؟**

**پاسخ:**

در دو بخش قبلی پاسخ به این سـوال به مباحثی همچون: جایگاه و اهمیت خانواده، تشـکیل خانواده بهترین بنا، پی‌ریزی بنیان‌های هویت و شخصیت فرزندان و اهم شاخص‌های خانواده موفق شامل: ۱- اخلاق حسنه ۲- احساس رضایتمندی ۳- احساس آرامش ۴- احساس صمیمیت ۵- رفتار محبت‌آمیز ۶- تفاهم و همدلی ۷- مدارا و سـازگاری پرداختیم، اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

**۸- اعتماد متقابل**

اعتماد به معنای وثوق و تکیه کردن است. بعضی از جامعه‌شناسان جامعه و گروه بدون اعتماد را منتهی به فروپاشی می‌دانند، و برخی منفعت‌بردن در رابطه را سبب تقویت اعتماد تعریف می‌کنند و بعضی دیگر نیز انجام مناسک مشـترک و همراهی در رفتارهای ساده را عامل همبستگی و اعتماد متقابل می‌شناسند. اما مومن جز به پروردگارش اعتماد کامل پیدا نمی‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «لایرجون احد منکم الا ربه» (نهج‌البلاغه- حکمت ۸۲) بنابراین انتظار از بندگان خدا بیش از حد نمی‌شـود و گرفتار یأس و شگفت‌زدگی نمی‌شود. با این حال او با متدینان طبق حسن ظن و اعتماد عمـل می‌کند، تا با این روش آنها را تکریم کنـد و پایه‌های جامعه دینی را محکم نماید. اهم مؤلفه‌های تقویت‌کننده اعتماد عبارتند از: ۱- رعایت امانتداری در شـنیده‌ها ۲- تواضع و گفت‌وگو از موضع عادلانه ۳- حمایت و هزینه کردن برای مشـکلات طرف مقابـل ۴- تضمین همراهی و ثبات ۵- عدالت و انعطاف ۶- گذشتن از منافع فردی برای منافع جمعی ۷-...

**۹- احترام متقابل**

احترام به معنای حرمت داشـتن و محفوظ بودن حریم فرد اسـت، و حرمت به معنای ممنوعیت ورود دیگران به حریم است. زیر پا گذاشـتن حریـم دیگران در خانواده می‌تواند صمیمیت، محبت و آرامش روانی را برهـم زند، همچنین اگر برای خود هیـچ حریمی نگه نداریم، به مرور به شخصیت پیش‌پاافتاده تبدیل می‌شویم و دیگران ما را جدی نمی‌گیرند. لازم است بدانیم که خدای متعال به هیچ وجه به مومنین اجازه نمی‌دهد خـود را ذلیل کنند.(کافی، ج۵، ص۶۳) گاه که حرمت مومن یکی از پنج حرمت الهی روی زمین است.(همان، ج۸، ص۱۰۷) احترام متقابل ابتدا در مرحله باور و روحیه شـکل می‌گیرد و بعد به مرحله کلام و عمل می‌رسد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «برترین افراد کسـانی هستند که به سادگی می‌شود به آنها نزدیک شد و مورد توجه‌شان قرار گرفت(بی‌تکلفند).(همان، ج۲، ص۱۰۲)

**۱۰- شادی و تفریح**

فضای شـاد در خانواده عامل انسـجام و جذابیت بوده و کیفیت انجام کارها را افزایش خواهد داد. لذا شادی (مشروع) از یاران عقل و از اخلاقیات پسندیده است.(همان، ج۱، ص۱۹۷) و نشاط در هدایت الهی از ویژگی‌های مومن شمرده شده است.(همان، ج۲، ص۲۳۱) بدین خاطر تفریحات سالم و لذت‌های حلال و مشـروع پیشران دیگر امور زندگی محسوب می‌شوند. این رفتارها، عقل و روان و جسم انسان را آماده می‌بخشند و عامل تقویت ساحت مهم زندگی یعنی عبادت و تلاش برای معیشت خواهند بود.

**۱۱- صله رحم و خویشاوندی**

صله در لغت به معنای احسـان و دوسـتی آمده است، و مراد از رحم، خویشاوندان و بسـتگان است(فرهنگ عمید، ص۶۸۲) صله رحم براساس روایات اعمال را تزکیه، اموال را زیاد، حساب را آسان و بلا را دفع و عمرها را طولانی می‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «صله رحم کن حتی با نوشاندن آب، هرچند بهترین چیزی که می‌توانی با آن صله رحم کنی، آزار نرساندن است. (کافی، ج۲، ص۱۵۱، ح۹) حضرت در جای دیگر به کسی که خویشاوندانش با او بدرفتاری می‌کنند، اجازه جداشـدن از آنها را نمی‌دهد و می‌فرماید: «با کسـی که بدی می‌کند خوبی کن، به کسی که تو را محروم کرده اعطا کن، و از کسـی که به تو ظلم کرده درگذر که در این صورت خداوند تو را پشتیبانی خواهد کرد.»(همان، ص۱۵۰)

**مؤلفه‌های تقویت‌کننده صله رحم**

۱- مسـائل درون خانوادگی نباید در جمع‌های فامیلی مطرح شـود ۲- روابط نباید مبتنی بر انتظار و چشمداشت از خویشاوندان باشد ۳- در رابطه با خویشاوندان اعتدال را رعایت کنیم ۴- احترام والدین خود و والدین همسرمان را به طور ویژه نگه داریم.

**۱۲- مدیریت صحیح مصرف**

در روایات آمده اسـت، مدیریت مصرف صحیح و دارایی‌ها و هزینه‌ها، انسان را رشد می‌دهد و از افراد پست بی‌نیاز می‌کند.(کافی، ج۵، ص۸۸،ح۶) بنابراین از آنجا که حفظ ایمان متکی بر بی‌نیازی از مخالفان دینی است، مدیریـت مصـرف صحیح را می‌توان یکی از ارکان حفظ ایمان و از وظایف دینی برشمرد. امام باقر(ع) رأس کمالات انسـان را در سه چیز می‌داند: ۱- تفقـه و شـناخت عمیق در دین ۲- صبر و اسـتقامت در مشـکلات ۳- برنامه‌ریزی و مدیریت امر معاش و زندگی(همان، ج۱، ص۳۲) مدیریت مصرف صحیح یا «تقدیرالمعیشـه» بین دو صفت مذموم سـخت‌گیری و اسـراف قرار دارد(همان، ج۱، ص۵۴، ح۲) الگوی مدیریت مصرف صحیح را باید به فرزندان‌مان انتقال دهیم، تا آنها بتوانند در مسیر اعتدال حرکت کنند و دچار افراط و تفریط نشوند.

## سلوک عارفانه

### راه حل مشکل خانواده

آنچه این دو (زن و شوهر) را به هم پیوند می‌دهد، عاطفه و محبت است نه قانون و عدالت. مطابق این دیدگاه، راه حل مشکل زن و مرد در خانواده، اعلام تشـابه و تساوی حقوق آنها نیست، بلکه کوشش در راه تلطیف عواطف و رفع جهالت و تلاش در راه قدرشناسی زن و مرد از یکدیگر است.[1]

۱- یادداشت‌های شهید مطهری(ره)، ج ۵، ص ۱۳۰ و ۱۳۴

**صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱**
**Maarefkayhan@Kayhan.ir**